

## برتری نیت بر عمل

محمد کاظم طباطبایی<sup>۱</sup>

### چکیده

عالمان حدیث پژوه، تقریرهای متفاوتی از روایت «نَيْتَةُ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عَمَلِهِ»، ارائه کرده و هر یک، از دیدگاهی ویژه آن را تحلیل کرده‌اند؛ حدود ۲۴ تبیین برای این روایت مطرح شده است، ولی به نظر می‌رسد هیچ یک از تقریرها معنای دقیق و جامع روایت را تبیین نمی‌کند. معنای مختار در تحلیل چرایی برتری نیت بر عمل خارجی، ناظر به حسن فعلی، حسن فاعلی، قبح فعلی و قبح فاعلی است؛ یعنی در مقایسه میان عمل نیکوی بیرونی و ضمیر درونی انسان مؤمن، حسن فاعلی او اهمیت بیشتری دارد. حسن و قبح فاعلی نیز حالتی تشکیکی است و می‌تواند مراتب گوناگونی داشته باشد؛ بر همین اساس، رتبه مؤمنان متفاوت است.

---

۱. دانشیار دانشگاه قرآن و حدیث: tabakazem@gmail.com.

## مقدمه

در جوامع حدیثی شیعه و منابع حدیثی سنی، حدیث مشهوری درباره نیت، این گونه نقل شده است: «نِيَّةُ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عَمَلِهِ»<sup>۱</sup>.

برای تبیین معنا و مراد حدیث، آگاهی از مفهوم نیت و واژگان به کاررفته در حدیث الزامی است. مقصود از نیت، تصمیم، عزم و اراده جدی بر انجام کاری است. مراد از مؤمن، انسان باایمان است. واژه خیر به معنای برتری و افضل بودن است و مراد از عمل، کاری است که انسان در پی آن نیت، انجام می دهد. بنابراین، معنای روایت این گونه خواهد بود: «تصمیم و اراده شخص باایمان بر انجام عمل، برتر از انجام دادن آن عمل است».

در اینجا چند سؤال و اشکال مطرح می شود:

۱. چگونه نیت انجام عمل برتر از انجام عمل است؟
  ۲. آیا مؤمن بودن در این برتری دخالت دارد یا خیر؟
  ۳. نیت، تنها عزم و اراده است و مستحق ثواب یا عقاب نیست؛ آنچه ثواب و عقاب بر آن مترتب می شود، عمل بیرونی است؛ پس چگونه نیت برتر از عمل دانسته شده است؟
  ۴. آیا واقعاً ثواب نیت عمل، بیش از خود عمل است یا معنای دیگری از روایت در نظر است؟
  ۵. آیا می توان نتیجه گرفت که به جای انجام اعمال نیک، تنها نیت آن را داشته باشیم و ثواب بیشتری ببریم؟
  ۶. این روایت معارض روایاتی است که ثواب نیت را یک واحد و ثواب عمل را ده واحد دانسته است. همچنین روایاتی که «افضل الاعمال را احمزها» برشمرده است.
- اشکالاتی که از مدلول اولیه این روایت به ذهن می رسد ابهام زا و باورناپذیر است؛ زیرا پذیرش این مطلب برای مخاطب دشوار است که تصمیم بر انجام عمل، برتر از خود عمل باشد یا ثوابی بیش از عمل داشته باشد. به سخن دیگر، دور از ذهن است که کسی تنها تصمیم بر انجام عملی بگیرد و افزون تر از کسی ثواب ببرد که آن عمل را انجام می دهد.

۱. الکافی، ج ۲، ص ۸۴، ح ۲؛ تهذیب الأحکام، ج ۴، ص ۱۴۱؛ علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۲۴.

## گام‌های مهم در حل روایت مشکل

از سده سوم که ابن درید در باره این روایت سخن گفته است تا زمان سید مرتضی در اوایل قرن پنجم و غزالی در سده ششم، برداشت‌ها و تحلیل‌های گوناگونی در حل مشکل این روایت مطرح شده است و در مجموع بیش از ده معنا در بیست و چهار تقریر متفاوت در تأویل و تبیین آن بیان شده است.<sup>۱</sup>

در نخستین گام برای تبیین مشکل و مراد روایت، باید خانواده حدیث (تمام روایات ناظر به این مضمون) را گرد آوریم. این پژوهش نشان دهنده آن است که روایات متعددی درباره نیت و عمل در منابع حدیثی شیعه و اهل سنت وجود دارد؛ روایاتی مانند «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ»<sup>۲</sup> یا «لَا عَمَلَ إِلَّا نِيَّةً»<sup>۳</sup>.

مقصود از این روایات آن است که ارزش و اعتبار عمل به نیت فاعل آن بستگی دارد. بیش‌تر این روایات تنها در صدد بیان این نکته هستند که آنچه به عمل روح می‌بخشد و شاکله و ویژگی عمل را تبیین می‌کند، نیت است؛ اما در این روایات از برتر بودن نیت نسبت به عمل سخن نرفته است؛ بنابراین حتی گردآوری خانواده حدیث نیت و عمل نیز گره‌ای از مشکل بر نمی‌گشاید.

روایت برتری نیت بر عمل در منابع حدیثی شیعه و سنی فراوان گزارش شده است.

---

۲. ۱. ر. ک: احیاء العلوم، ج ۱۴، ص ۱۶۲-۱۶۵؛ بحار الأنوار، ج ۶۷، ص ۱۸۹-۱۹۹؛ مرآة العقول، ج ۸، ص ۹۲-۱۰۲؛ الوافی، ج ۴، ص ۳۶۷؛ مصابیح الانوار، ج ۱، ص ۶۴۷-۶۵۳؛ الدرر النجفیه، ج ۳، ص ۱۱۳-۱۲۳.

۲. الکافی، ج ۲، ص ۸۴، ح ۲؛ صحیح بخاری، ج ۱، ص ۲؛ اهل سنت این روایت را تنها از طریق عمر بن خطاب از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گزارش کرده و آن را منفرد شمرده‌اند (مقدمه ابن صلاح، ص ۶۲)؛ ولی در منابع حدیثی شیعه این سخن به نقل از اهل بیت علیهم السلام و راویان آن‌ها گزارش شده است (مسائل علی بن جعفر، ص ۳۴۷، علی بن جعفر عن ابيه عن آبائه؛ دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۴ و ۵۶، از الامام الصادق علیه السلام).

۳. تهذیب الأحکام، ج ۱، ص ۸۳.

برقی<sup>۱</sup>، مولف کتاب فقه الرضا<sup>۲</sup>، ثقه الاسلام کلینی<sup>۳</sup>، شیخ صدوق<sup>۴</sup>، سید مرتضی<sup>۵</sup>، شیخ طوسی<sup>۶</sup> و.... از جمله مؤلفان شیعی گزارشگر این روایت هستند.

طبرانی<sup>۷</sup>، هیثمی<sup>۸</sup>، ابن حجر<sup>۹</sup>، بیهقی، قضاعی<sup>۱۰</sup>، ابن عبد البر<sup>۱۱</sup>، ابن قتیبه<sup>۱۲</sup> و غزالی<sup>۱۳</sup> نیز از جمله مؤلفان سنی گزارشگر این روایت هستند.

حتی ابن تیمیه که به مخالف خوانی شهره است نیز این روایت را نقل کرده است.<sup>۱۴</sup>

گفتنی است نویسندگان احادیث موضوعه همچون فتنی<sup>۱۵</sup>، ملا علی قاری<sup>۱۶</sup> و عجلونی<sup>۱۷</sup> نیز این روایت را در کتاب‌های خود نقل کرده و تصریح به ضعف آن کرده‌اند، ولی با توجه به قرائن دیگر، تصریح به عدم جعل کرده و آن را پذیرفته‌اند.

این روایت با تفاوت‌های جزئی و کلی در منابع بالا نقل شده است. قدر مشترک همه منابع شیعه و سنی متقدم و متأخر، برتری نیت مؤمن بر عمل اوست.

- 
۳. ۱. المحاسن، ج ۱، ص ۲۶۰.
  ۴. ۲. فقه الرضا، ص ۳۷۸.
  ۵. ۳. الکافی، ج ۲، ص ۸۴.
  ۶. ۴. الهدایة، ص ۶۲، علل الشرائع، ج ۲، ص ۵۲۴.
  ۷. ۵. الرسائل، ج ۱، ص ۱۲۰ و ج ۳، ص ۲۳۳-۲۳۹.
  ۸. ۶. تهذیب الأحکام، ج ۴، ص ۱۴۲، الاستبصار، ج ۲، ص ۶۲.
  ۹. ۷. المعجم الکبیر، ج ۶، ص ۱۸۵.
  ۱۰. ۸. مجمع الزوائد، ج ۱، ص ۶۱ و ص ۱۰۹.
  ۱۱. ۹. فتح الباری، ج ۱، ص ۸.
  ۱۲. ۱۰. مسند الشهاب، ج ۱، ص ۱۱۹.
  ۱۳. ۱۱. الاستذکار، ج ۲، ص ۸۱، التمهید، ج ۱۲، ص ۲۶۴.
  ۱۴. ۱۲. تاویل مختلف الحدیث، ص ۱۳۹.
  ۱۵. ۱۳. احیاء العلوم، ج ۱۴، ص ۱۶۲.
  ۱۶. ۱۴. مجموعه الفتاوی، ج ۱۴، ص ۷۶۲.
  ۱۷. ۱۵. تذکرة الموضوعات، ص ۱۸۸.
  ۱۸. ۱۶. الأسرار المرفوعة فی الأخبار الموضوعة، ص ۳۵۹.
  ۱۹. ۱۷. کشف الخفاء، ج ۲، ص ۳۲۴.

یکی از روایات این مجموعه در کتاب الکافی شریف چنین است:

نِيَّةُ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عَمَلِهِ وَ نِيَّةُ الْكَافِرِ شَرٌّ مِنْ عَمَلِهِ وَ كُلُّ عَامِلٍ يَعْمَلُ عَلَيَّ  
نِيَّتِهِ؛<sup>۱</sup> عزم و اراده فرد با ایمان بر انجام عمل [نیک]، برتر از عمل او است  
و عزم و اراده فرد کافر بر انجام عمل، بدتر از عمل او است و هر کس  
مطابق با عزم و اراده خویش رفتار می‌کند.

در بیشتر این گزارش‌ها، نیت مؤمن و نیت کافر در کنار هم آمده و با عمل آن دو مقایسه شده است. از این رو، تبیین آن باید به گونه‌ای باشد که اشکال هر دو قسمت را حل کرده و برتری نیت مؤمن بر عمل او و بدتر بودن نیت کافر بر رفتار او را اثبات کند. همان گونه که در سطور بعد خواهیم دید، اشکال اصلی در بیشتر تبیین و تقریرها، آن است که تنها به برتری نیت مؤمن بر عمل او توجه کرده‌اند و سخن آنان با قسمت دوم روایت سازگار نیست.

## تبیین معنای حدیث از نگاه عالمان و بررسی آن

گفتیم که بیش از بیست تقریر در تبیین این روایت بیان شده است. موارد مهم را مفصل‌تر ذکر کرده و موارد جزئی را به اجمال گزارش می‌کنیم:

### تبیین نخست: تصرف در معنای «خیر»

نخستین منبع مهم شرح الحدیثی شیعه که این روایت را در دو بخش از کتاب خود مطرح کرده است، کتاب الرسائل، نگاشته سید مرتضی (م ۴۳۵ ق) است.<sup>۲</sup> به نظر سید مرتضی، راه حل مشکل روایت در این است که در معنای واژه «خیر» تصرف کرده و آن را به معنای افضلیت ندانیم. اگر واژه «خیر» در معنای اصلی خود به کار رود، به مفهوم برتری و افضل بودن است و معنای روایت آن خواهد بود که نیت عمل، برتر از خود عمل است، ولی اگر در این معنا تصرف کنیم و تنها آن را به معنای پسندیدگی ذاتی بدانیم، نیت عمل نیز همانند

۱. الکافی، ج ۱، ص ۷۰ و ج ۲، ص ۸۴.

۲. ر.ک: الرسائل، ج ۱، ص ۱۲۰ و ج ۲، ص ۲۳۳.

عمل پسندیده خواهد بود.

مرحوم سید مرتضی رحمته الله علیه دلایلی بر این پاسخ ارائه می‌کنند، ولی توجیه‌های ایشان پذیرفتنی نیست؛ زیرا واژه «خیر» در حالت عادی و بدون قرینه، برتری و افضل بودن شیء را بر شیء دیگر اثبات می‌کند. در روایت یادشده، نیت و عمل در مقایسه با هم سنجیده شده و به صراحت، نیت برتر از عمل معرفی شده است.

### تبیین دوم: برتری نیت همراه با عمل، از عمل بدون نیت

سید مرتضی، پاسخ دیگری را یک بار از جانب خود و بار دیگر از جانب برخی عالمان مطرح کرده، می‌نویسد: مقصود امام علیه السلام آن است که نیت همراه با عمل، برتر از عمل بدون نیت است.

این پاسخ نیز ناکافی است و سید مرتضی نیز در نهایت آن را نپذیرفته است؛ زیرا در این روایت، تنها نیت با عمل مقایسه شده است، نه آن که نیت همراه با عمل با عمل بدون نیت مقایسه شده باشد.

### تبیین سوم: برتری نیت عمل دشوار، بر عمل آسان

سومین پاسخ سید مرتضی آن است که نیت مؤمن برای انجام برخی از اعمال دشوار، برتر از دیگر اعمال ساده‌ای است که او انجام می‌دهد.

درواقع، سید مرتضی در معنای روایت تصرف کرده و اطلاق و گستره مفهوم روایت را از آن سلب کرده است و به برخی نیت‌ها و اعمال اختصاص داده است.

این پاسخ نیز گونه‌ای بارگذاری خاص بر مفهوم روایت است و نمی‌تواند پذیرفتنی باشد؛ زیرا دلیلی بر عدول از معنای ظاهری و پذیرش این معنا وجود ندارد.

### تبیین چهارم: پاداش نیت عمل خیر غیرمقدور

ملاصالح مازندرانی در شرح اصول کافی نوشته است:

ممکن است انسان مؤمن برای اعمال نیکی که خارج از توان او است،

نیت‌های فراوانی داشته باشد. از این رو، تنها به سبب داشتن نیت خیر

مستحقّ ثواب خواهد بود، نه به دلیل عمل؛ زیرا عملی در بیرون انجام نشده است؛ بنابراین، نیت فرد، برتر از عمل او دانسته می‌شود و به واسطهٔ این نیت، ثواب بیشتری به او خواهد رسید.<sup>۱</sup>

این معنا نیز مشکلات جدّی دارد؛ زیرا مقصود از نیت، عزم و اراده است و نمی‌توان روایت را بر عملی حمل کرد که قدرت بر انجام آن نیست؛ همچنین ظاهر روایت ناظر به مقایسهٔ میان عمل و نیت عمل است نه آن که نیت با عملی دیگر سنجیده شود.

### تبیین پنجم: روح عمل بودن نیت

توجه دیگر ملا صالح مازندرانی آن است که نیت روح عمل است و خوبی و بدی عمل به نیت عامل آن بستگی دارد. این معنا مطابق با روایات «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ» یا «لَا عَمَلَ إِلَّا نِيَّةً» بوده و تا حدودی با محتوای حدیث یادشده نزدیک است، اما مشکل پیشین، یعنی برتری نیت نسبت به عمل را اثبات نمی‌کند.

### تبیین ششم: خلود در بهشت، ثمرهٔ نیت خیر

علامه مجلسی در برتری نیت بر عمل پاسخ دیگری دارد و چنین استدلال می‌کند: آنچه مؤمن را شایستهٔ بهشت و جاودانگی در آن می‌کند، عمل مؤمن نیست؛ چه، عمل نیک انسان در طول زندگی محدود است و برای عمل محدود نمی‌توان پاداش نامحدود که جاودانگی در بهشت است در نظر گرفت؛ بنابراین آنچه انسان را شایستهٔ خلود و جاودانگی در بهشت می‌کند، نیت‌های خیر بی‌شماری است که انسان مؤمن دارد. نیت از عمل برتر است؛ چه، این نیت‌های خیر است که سبب‌ساز جاودانگی در بهشت می‌شود.

### تبیین هفتم: برتری طبیعت نیت بر عمل

غزالی معتقد است طبیعت نیت، برتر از عمل است؛ زیرا نیت خیر ثواب دارد، ولی نیت شر

۱. شرح اصول کافی، ج ۸، ص ۲۶۶.

عقاب ندارد. بنابراین، نیت خیر و شر با عمل خیر و شر تفاوت دارد. حتی نیت عمل خیر هم فرد را مستحق ثواب می‌کند، ولی نیت شر، هیچ آسیبی به او وارد نمی‌رساند. این معنا با متن کامل روایت سازگار نیست. متن کامل روایت این‌گونه است: «نِيَّةُ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عَمَلِهِ وَنِيَّةُ الْكَافِرِ شَرٌّ مِنْ عَمَلِهِ». بنابراین، نیت کافر، بدتر از عمل او شمرده شده است.

### تبیین هشتم: پنهان بودن نیت، سبب برتری آن

برتری نیت بر عمل بدان سبب است که نیت، ماهیت جوانحی دارد که در درون انسان شکل می‌گیرد، اما عمل، ماهیت جوارحی دارد که در عالم خارج بروز و ظهور می‌یابد. نیت انسان به دلیل پنهان بودن، با ریا آلوده نخواهد شد و همین ویژگی سبب برتری نیت، بر اعمال بیرونی است؛ بنابراین ثواب بیشتری نیز خواهد داشت. این پاسخ نیز کامل نیست؛ زیرا برخی اعمال بیرونی نیز می‌توانند مستور و در خفا باشند. همچنین عمل بیرونی، سختی و دشواری بیشتری نسبت به اصل نیت دارد و با روایات دیگری که درباره برتری اعمال، وارد شده و برترین عمل را سخت‌ترین آن‌ها دانسته است، سازگار نیست.

### تبیین نهم: محرک بودن نیت برای انجام عمل، سبب برتری آن

نیت، محرک و پدیدآورنده عمل است؛ بنابراین اصل و بنیاد عمل، نیت است و آنچه در بیرون واقع می‌شود، فرع، و از ثمرات و نتایج نیت است. روشن است که اصل و بن مایه شیء اهمیتی افزون‌تر از فرع و زیر شاخه‌های آن دارد.

### تقریرهای دیگر

غزالی، فیض کاشانی، علامه مجلسی و شیخ یوسف بحرانی معانی دیگری را نیز مطرح کرده‌اند<sup>۱</sup> که جمع‌بندی آنها را مرحوم سید عبدالله شبر در کتاب شریف مصابیح الانوار نقل

۱. ۲۰. ر.ک: احیاء العلوم، ج ۱۴، ص ۱۶۲-۱۶۵؛ بحار الأنوار، ج ۶۷، ص ۱۸۹-۱۹۹؛ مرآة العقول، ج ۸، ص ۹۲-۱۰۲؛ الوافی، ج ۴، ص ۳۶۷؛ الدرر النجفیه، ج ۳، ص ۱۱۳-۱۲۳.



کرده است.<sup>۱</sup>

برخی از تقریرهای مطرح شده اینگونه است:

جایگاه و اثر نیت نسبت به عمل، برتر از خود عمل است، نیت مؤمن بیش از عمل اوست و در نتیجه ثواب بیشتری دارد؛ نیت مؤمن آنست که عمل را به بهترین وجه انجام دهد ولی عمل او اینگونه نیست؛ نیت قابلیت استمرار دارد ولی عمل ندارد؛ در نیت تقیه نیست، ولی عمل ممکن است تقیه‌ای باشد؛ نیت عمل قلبی است و جوانحی و برتر از عمل جوارحی است زیرا ریا در او راه ندارد؛ نیت بدون عمل قابلیت وجود دارد ولی عمل بدون نیت بی‌معناست.

### تبیین برگزیده

به نظر می‌رسد بیشتر راه‌حل‌های پیشین معنای دقیق و کامل روایت را بیان نکرده و مشکل پدیدآمده از آن را برطرف نمی‌کنند. شاید به کمک این تبیین جدید بتوان به مراد جدی و جامع روایت نزدیک شد.

تبیین این راه‌حل نیاز به بیان یک مقدمه دارد:

هر عمل نیک نمود و بروز دو امر است:

۱. فعل حسن و یا حسن فعلی که در خارج نمایان می‌شود.

۲. حسن فاعلی که نشان دهنده ضمیر فاعل، درون مایه نیک و ملکه نفسانی اوست و در خارج مشاهده نمی‌شود.

هر عمل ناپسند نیز نشانگر قبح فعل و همچنین قبح فاعلی عامل آن است؛ البته گاه رفتار نیک یا بد خارجی، از حسن یا قبح فاعلی منفک می‌شود، همانند کسی که بدون نیت و اراده کاری نیک یا بد را انجام می‌دهد و یا نیتی برخلاف ظاهر عمل دارد.

از این رو ممکن است عمل پسندیده‌ای حسن فعلی داشته باشد، ولی حسن فاعلی نداشته باشد. همانند شخصی که از روی ریا، تظاهر و خودنمایی، به کودکی یتیم کمک می‌کند. در آن حالت این عمل حسن فعلی دارد؛ زیرا کمک به یتیم عملی نیکو و پسندیده است، ولی

حسن فاعلی ندارد؛ زیرا عمل او مبتنی بر عقیده، ایمان و باور حقیقی فاعل نیست، بلکه او تنها برای تظاهر و موجه جلوه کردن در نظر مردم این کار را انجام داده است. اعمال ناپسند نیز این گونه هستند؛ اگر کسی ناآگاهانه و بدون توجه به نوع نوشیدنی، شراب بنوشد، عمل نادرستی انجام داده است؛ زیرا شراب خواری از اعمال نکوهیده نزد شارع مقدس و عقل است. طبیعی است که این شخص با نوشیدن شراب مست خواهد شد؛ زیرا آثار تکوینی شراب خواری خواه ناخواه بر جسم او مترتب می شود و به نیت صاحب عمل ارتباطی ندارد. اما برای این نوشنده شراب، قبح فاعلی لحاظ نمی شود؛ زیرا نوشیدن شراب را بدون علم و آگاهی انجام داده است.

با کمی دقت در می یابیم که در مجموع، چهار گزینه در افعال نیک و بد ارادی متصور است: حسن فعلی و حسن فاعلی (در کارهای نیکو)، قبح فعلی و قبح فاعلی (در کارهای ناشایست).

در مقایسه میان حسن فعلی و حسن فاعلی مرتبط با یک فعل و همچنین قبح فعلی و قبح فاعلی مرتبط با یک رفتار کدام یک ارزش بیشتری دارند؟

روایت یادشده در صدد بیان این نکته است که اگرچه حسن فعلی عمل مؤمن و قبح فعلی عمل کافر ثواب و عقاب دارند، ولی این حسن و قبح فعلی برگرفته از ملکه نفسانی فاعل مؤمن و کافر است. در نتیجه حسن فاعلی مؤمن و قبح فاعلی کافر و منافق، جایگاه ویژه ای می یابد. آنچه در مقایسه میان عمل نیکو و ملکه یا ضمیر درونی انسان مؤمن و کافر اهمیت دارد و باید بدان توجه کرد، حسن و قبح فاعلی او است؛ زیرا «از کوزه همان برون تراود که در او است».

شاکله انسانی فرد مؤمن، ضمیر آگاه و الهی او و درون مایه شخصیتی و شاکله شایسته مؤمن است که انجام عمل نیک او را در وجود او نهادینه می سازد. شخص مؤمن از ضمیر و درونی پیراسته بهره مند است که او را به انجام کارهای نیک سوق می دهد؛ حال ممکن است گاه قدرت بر انجام عمل نیز پیدا کند و گاه از انجام عمل باز ماند. قدرت نداشتن در به انجام رساندن نیت باعث نمی شود که فرد ملکه نفسانی و درون پیراسته خود را از دست بدهد. این معنا ناظر به ثواب و عقاب مترتب بر عمل هم نیست تا این اشکال پدید آید که مطابق

با قواعد بالادستی معرفتی، عقابی بر نیت ناشایست مترتب نیست و ثواب عمل نیکو نیز بیش از نیت نیکوست.

خلود و جاودانگی در بهشت و جهنم نیز با همین معنا تصوّر و توجیه می‌شود؛ زیرا اگرچه مجموعه اعمال انسان در یک دوره هفتاد یا هشتاد ساله در دنیا انجام شده است، ولی داشتن ضمیر پیراسته در برخی افراد، سبب خلود و جاودانگی آنان در بهشت خواهد شد. در مقابل، برخی افراد دارای شاکله‌ای چنان پست و رذل هستند که اگرچه مجموعه اعمال بد آنان در یک دوره هفتاد یا هشتاد ساله و حتی کم‌تر اتفاق می‌افتد، ولی این ضمیر و درون مایه پست سبب خلود آن‌ها در جهنم می‌شود.

برداشت بالا برگرفته از روایت والای امام صادق علیه السلام است که ثقه الاسلام کلینی آن را در همین باب و در کنار روایت مورد بحث نقل کرده است:

إِنَّمَا خُلِدَ أَهْلُ النَّارِ فِي النَّارِ لِأَنَّ نِيَّتَهُمْ كَانَتْ فِي الدُّنْيَا أَنْ لَوْ خُلِدُوا فِيهَا أَنْ يَعْصُوا اللَّهَ أَبَدًا، وَإِنَّمَا خُلِدَ أَهْلُ الْجَنَّةِ فِي الْجَنَّةِ لِأَنَّ نِيَّتَهُمْ كَانَتْ فِي الدُّنْيَا أَنْ لَوْ بَقُوا فِيهَا أَنْ يُطِيعُوا اللَّهَ أَبَدًا، فَبِالنِّيَّاتِ خُلِدَ هَؤُلَاءِ، وَهَؤُلَاءِ.

ثُمَّ تَلَا قَوْلَهُ تَعَالَى: «قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ»، قَالَ: عَلَى نِيَّتِهِ؛ دوزخیان از آن رو در دوزخ، جاویدان‌اند که در دنیا نیتشان آن بود که اگر در دنیا جاویدان بمانند، تا ابد، خدا را نافرمانی کنند و بهشتیان نیز از آن رو در بهشت، جاویدان‌اند که در دنیا نیتشان آن بود که اگر در دنیا جاویدان بمانند، تا ابد، خدا را فرمان برند. پس به سبب نیت‌هاست که آنها و اینها جاویدان‌اند.<sup>۲</sup>

ایشان سپس این سخن خدای متعال را تلاوت نمود: «بگو: هر کس بر حسب شاکله خویش عمل می‌کند» و فرمود: «یعنی بر حسب نیت خویش».

نتیجه آنکه، انجام عمل یا بروز بیرونی عمل، نیازمند آن است که فرد مقدمات کار، قدرت بر انجام آن و شرایط و فضای مناسب را داشته باشد تا بتواند عملی را به انجام رساند؛ ولی حسن فاعلی او با هیچ یک از این شرایط مرتبط نیست. آنچه اهمّیت دارد و شایسته توجه

۲۲. ۱. الإسرائاء، ۸۴.

۲۳. ۲. الکافی، ج ۲، ص ۸۵، ح ۵؛ المحاسن، ج ۲، ص ۵۶، ح ۱۱۶۵.

است، حسن فاعلی او است. اگر چه شخص مؤمن گاه به خطا و گاه حتی از روی تمایلات طبیعی انسانی به گناه آلوده می‌شود، اما این گناه ضرری به حسن فاعلی او نخواهد زد. انسان کافر نیز دقیقاً مطابق با همین ضمیر و درون مایه، اعمال بد خود را به انجام می‌رساند.

از این دیدگاه، مؤمنان نیز رتبه یکسانی ندارند. حسن فاعلی مراتب گوناگون و تشکیکی دارد. ممکن است انسانی عمل نیک را به سبب ترس از جهنم و انسان دیگری همان عمل را به امید ثواب و شوق بهشت انجام دهد، درحالی که انسان والاتر و وارسته‌تری همچون امیرالمؤمنین علیه السلام به مرحله‌ای می‌رسد که انجام عمل نیک از جانب او تنها برای خدا است، نه ترس از جهنم و یا شوق به بهشت<sup>۱</sup>.

رویکرد درون مایه رفتار این دسته افراد، که از جمله آنان ائمه (عهم) هستند، عمل آن‌ها را بسی برتر، بالاتر و والاتر از اعمال مسلمانان عادی قرار می‌دهد.

## كتابنامہ

۱. احياء العلوم، غزالي، بيروت: دار الكتاب العربي.
۲. الاستبصار فيما اختلف من الأخبار، شيخ طوسي، بيروت: دار الأضواء، ۱۴۰۶ ق.
۳. الاستذكار، أبو عمر يوسف بن عبدالله بن عبد البر النمري، بيروت: دارالكتب العلميّة، ۲۰۰۰ م.
۴. بحار الأنوار، علامه محمد باقر مجلسي، بيروت: مؤسسه وفا، ۱۴۰۳ ق.
۵. تذكرة الموضوعات، محمد طاهر بن علي الهندي الفتني.
۶. تهذيب الأحكام، شيخ طوسي، تحقيق سيد حسن موسوي خراسان، تهران: دار الكتب الإسلامية، ۱۳۶۵ ش.
۷. الدرر النجفيّة، يوسف بن أحمد بحراني، قم: دارالمصطفى، ۱۴۲۳ ق.
۸. دعائم الإسلام، ابو حنيفه، نعمان مغربي، تحقيق: محمد عبد الغفار، قاهره: مكتبه مدبولي.
۹. رسائل الشريف المرتضى، سيد مرتضى، قم: دار القرآن الكريم، ۱۴۰۵ ق.
۱۰. شرح اصول الكافي، ملا صالح مازندراني، بيروت: دار احياء التراث العربي، ۱۴۲۱ ق.
۱۱. صحيح البخاري، محمد بن اسماعيل بخاري، بيروت: دارالفكر، ۱۴۰۱ ق.
۱۲. علل الشرائع، شيخ صدوق، نجف: كتابخانه حيدريه، ۱۳۸۵ ق.
۱۳. فتح الباري، احمد بن حجر عسقلاني، بيروت: دار المعرفة للطباعة والنشر، بي تا.
۱۴. فقه الرضا، المنسوب للإمام الرضا عليه السلام، تحقيق مؤسسة آل البيت عليه السلام، قم، ۱۴۰۶ ق.
۱۵. الكافي، محمد بن يعقوب كليني، تصحيح و تعليق على اكبر غفاري، تهران: دارالكتب الاسلامية، ۱۳۸۸ ق.
۱۶. كشف الخفاء، العجلوني، ۱۹۸۸ م، دار الكتب العلمية - بيروت
۱۷. مجمع الزوائد، علي بن أبي بكر الهيثمي، تحقيق عبد الله محمّد درويش، بيروت: دار الفكر، ۱۴۱۲ ق.
۱۸. المحاسن، أحمد بن محمّد بن خالد البرقي، تحقيق سيّد مهدي رجائي، قم: المجمع العالمي لأهل البيت عليه السلام، ۱۴۱۳ ق.
۱۹. المحجّة البيضاء في تهذيب الإحياء، فيض كاشاني، تصحيح على أكبر غفاري، قم:

مؤسسة النشر الاسلامي.

٢٠. مسائل على بن جعفر و مستدرکاتها، على بن جعفر عريضي، تحقيق: مؤسسه آل البيت لاحياء التراث، بيروت: مؤسسه آل البيت لاحياء التراث، ١٤١٠ق.
٢١. مصابيح الأنوار فيحل مشكلات الأخبار، عبدالله شبر، تحقيق دارالحديث، قم، ١٣٩٠.
٢٢. المعجم الكبير ، سليمان بن احمد طبراني، تحقيق حمدي عبد المجيد السلفي ، بيروت: دار إحياء التراث العربي، ١٤١٨ ق .
٢٣. نهج البلاغه، تدوين محمد بن حسين بن موسى موسوى معروف به شريف رضی، تحقيق صبحی صالح، قم: دار الهجرة.
٢٤. الوافي، محمد محسن بن شاه مرتضى ، تحقيق ضياء الدين حسين اصفهاني، اصفهان: مكتبة الامام امير المؤمنين عليه السلام، ١٤٠٦ق.
٢٥. الهداية، شيخ صدوق، مؤسسه الإمام الهادي عليه السلام، مؤسسه الإمام الهادي عليه السلام ، ١٤١٨.